

توافق شکن با دست قدرت خداوند روبه‌روست

احمد عدالتیان| در ادامه مرور آیاتی که امام حسین<sup>(ع)</sup> در مسیر قیام خود از مدینه تا کربلا در مناسبت های مختلف به آن ها اشاره کردند، آیه ۱۰ سوره فتح را باهم تلاوت می‌کنیم. وقتی کاروان امام به نزدیکی کربلا رسید، حبرین یزید ریاحی با سپاهش، راه را بر اباعبدالله<sup>(ع)</sup> بست و به ایشان گفت: چرا آمده ای؟ اباعبدالله<sup>(ع)</sup> فرمودند: «نامه های دعوت شما مرا به اینجا آورد، ولی حالا پشیمان شده اید؟» سپس این آیه را تلاوت کردند: «إِنَّ الَّذِينَ يُنَادُونَكَ لِيُقَاتِلْهُمْ يَتَّبِعُونَ اللَّهَ يَتَّبِعُونَ اللَّهَ فَوْقَ أَدْبَارِهِمْ فَمَنْ تَبَتَّ فَأَتَمَّتْ تَكْبَتُ عَلَيْهِمْ وَفَئِئَمَا يَتَّخِذُ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْقِسْطَ يَوْمَ تَفُتُّهُ أَجْرًا عَظِيمًا» به یقین کسانی که با تو بیعت می‌کنند، جز این نیست که با خدا بیعت می‌کنند، قدرت خدا بالاتر از همه قدرت هاست، پس کسی که پیمان می‌شکند، فقط به زیان خود می‌شکند و کسی که به پیمانی که با خدا بسته است وفا کند، خدا به زودی پاداشی بزرگ به او می‌دهد».

این آیه دراصل برای کسانی نازل شده است که پیمان و توافق خود با خداوند و رسول او را شکستند و یادآوری می‌کند که خداوند به حمایت کسی نیازی ندارد. پس، از پیمان شکنی پرهیزید که با خدایی طرف هستید که بالاتر از همه قدرت هاست. اما نکته کلی آیه، این است که پیمان شکنی و نقض توافق، درواقع خودشکنی است. اگر امام حسین<sup>(ع)</sup> با توافق شکنی روبه‌رو شد، در مسیر الهی خم به ابرو نیاورد و قدرتی به همراه داشت که بالاتر از همه قدرت هاست، بنابراین پیروان امام حسین<sup>(ع)</sup> نیز وقتی دست خداوند را بالای سر خود دارند، دره‌ای تردید در آن ها ایجاد نمی‌شود و دشمنی که توافق را می‌شکند، درواقع به خودش ضرر رسانده است و با قدرت الهی روبه‌روست.

روضه شب هفتم

نوجوانی که تکلیف را از سن خود بزرگ‌تر دید

وکیل‌ا یکی از شبهاتی که گاه در تربیت نسل نوجوان مطرح می‌شود، این است که مسائل بزرگ اجتماعی، سیاسی و دینی را باید به آینده موکول کرد و نوجوانان هنوز برای ورود به عرصه های عمیق فکری و مسئولیت های بزرگ، آماده نیستند. اما سیره حضرت قاسم بن الحسن<sup>(ع)</sup>، پاسخی روشن به این نگاه است. عاشورا به ما نشان می‌دهد که بصیرت و فهم مسئولیت، به سن وابسته نیست. نوجوانی که در کربلا به میدان آمد، نه یک جنگجوی صرف، بلکه انسانی بصیر بود که جایگاه امام زمان خود را شناخت و برای دفاع از ولایت، از جان خویش گذشت.

مهم‌ترین شاخص تربیتی

در رجز معروف حضرت قاسم<sup>(ع)</sup>، بیش از آنکه سخن از شجاعت فردی باشد، سخن از هویت ولایی و دفاع از امام دیده می‌شود. او خود را فرزند امام حسن مجتبی<sup>(ع)</sup> معرفی می‌کند و سپس از مظلومیت و غربت سیدالشهدا<sup>(ع)</sup> سخن می‌گوید. این نشان می‌دهد که مهم‌ترین دغدغه او نه اثبات خود، بلکه دفاع از امام زمان خویش است. قاسم<sup>(ع)</sup> در سن نوجوانی به این حقیقت رسیده بود که ولایت از جان انسان، مهم‌تر است و هیچ سرمایه‌ای بالاتر از حمایت از ولی خدا وجود ندارد. تربیت نسلی بصیر که بتواند حق را بشناسد، اولویت‌ها را تشخیص دهد و در لحظه نیاز، مسئولیت خود را انجام دهد، جزو مهم‌ترین شاخص های تربیت عاشورایی است.

منتظر امکانات کامل نماند

یکی دیگر از درس‌های بزرگ زندگی حضرت قاسم<sup>(ع)</sup>، اقدام به موقع در انجام تکلیف است. او امکانات کامل یک رزمنده را در اختیار نداشت، نه تجهیزات کامل جنگی داشت و نه از نظر جسمی با جنگاوران بزرگ کربلا مقایسه‌شدنی بود اما منتظر فراهم شدن شرایط ایده‌آل نماند. وقتی تکلیف را شناخت، وارد میدان شد. این درس برای نسل امروز نیز کاملاً کاربردی است. بسیاری از موفقیت‌های بزرگ انقلاب اسلامی، دفاع مقدس و پیشرفت‌های کشور به دست جوانانی رقم خورده است که منتظر امکانات کامل نماندند. از نوجوانان دوران دفاع مقدس گرفته تا جوانانی که امروز در عرصه‌های علمی، فرهنگی و جهادی نقش آفرینی می‌کنند، همگی ادامه‌دهندگان همان مکتب قاسم بن الحسن<sup>(ع)</sup> هستند؛ مکتبی که می‌گوید مهم‌تر از امکانات، شناخت مسئولیت و اراده عمل به آن است.

مرثیه قاسم<sup>(ع)</sup>: روایت عشق و وفاداری به امام

شهادت حضرت قاسم<sup>(ع)</sup> یکی از جان سوزترین صحنه‌های عاشورا است؛ نوجوانی که با اشک و اصرار، از امام حسین<sup>(ع)</sup> اذن میدان گرفت. لباس رزم پوشید و با شجاعتی فراتر از سن خود به قلب دشمن زد. پس از نبردی قهرمانانه، در میان محاصره دشمن قرار گرفت و بر اثر ضربه‌ای سنگین بر زمین افتاد. در آن لحظات، فریاد استغاثه او به عمومی سیدالشهدا<sup>(ع)</sup> رسید و امام با شتاب، خود را به میدان رساند. صحنه حضور امام بر بالین قاسم<sup>(ع)</sup>، گریه جان سوز حضرت، در آغوش گرفتن پیکر نوجوان شهید و بازگرداندن او به خیمه‌ها درحالی‌که پاهایش بر زمین کشیده می‌شد، از دردناک‌ترین تصاویر کربلاست. این صحنه هانتها روایت یک مصیبت استثنایی، بلکه نمایش اوج محبت امام و نهایت وفاداری یک نوجوان به ولایت است.

احکام محرم

هم‌سوزاری کلمات با شأن اهل‌بیت(ع) در مرثیه

عالیپورا عشق و ارادت به خاندان عصمت و طهارت<sup>(ع)</sup> جوهره مجالس عزاداری است، اما این محبت پرشور زمانی به کمال می‌رسد که با عقلانیت و ادب همراه شود. هرچند هدف از مرثیه‌سرایی و ابراز ارادت، نمایش تعلق خاطر و خاکساری در برابر اهل‌بیت<sup>(ع)</sup> است، اما به‌کارگیری الفاظ و رفتارهایی که شایسته‌ساحت قدسی آن بزرگواران نباشد، نه تنها اجر معنوی را زایل می‌کند، بلکه به وهن مذهب و استهزای دین در نگاه دیگران می‌انجامد. از این‌رو ضروری است که محتوای اشعار، تعابیر و حتی آواهای به‌کاررفته در هیئات، با شأن والای معصومین<sup>(ع)</sup> و وقار ذاتی شاعران حسینی هم‌سو باشد. در ادامه، نظر مراجع عظام تقلید درباره برخی از این آسیب‌ها و پرهیز از خرافات در مجالس عزاداری را بیان کرده‌ایم.

**سرودن و خواندن شعرهایی که در آن از الفاظ نامناسب استفاده شده است و الفاظ مذکور را به ساحت مقدس ائمه اطهار<sup>(ع)</sup> و خودشان نسبت می‌دهند، چه حکمی دارد؟**

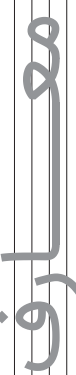
**آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی:** عزاداری ائمه اطهار<sup>(ع)</sup>، مخصوصاً خامس آل عبا، از افضل قُرّبات است و سرودن و خواندن اشعاری که حکایت از مظلومیت و زحمات و فداکاری آن حضرات کند، کار بسیار خوبی است، ولی باید از هرکاری که باعث هتک حرمت آن بزرگواران و موجب وهن مذهب در نظر دیگران می‌شود، پرهیز کرد.

**بعضی افراد در هیئت وقتی مداح اسم سگ می‌آورد، مثلاً می‌گویند من سگ حسینم، لفظ «هو» را به‌عنوان صدای سگ درمی‌آورند و چندبار هو می‌کشند؛ این کار چه حکمی دارد؟**

**آیت‌الله العظمی شهید خامنه‌ای:** گفتن این الفاظ، شایسته نیست و درهرحال مناسب است مؤمنان، رعایت شئون عزاداری معصومین<sup>(ع)</sup> به‌ویژه سیدوسالار شهیدان، حضرت اباعبدالله‌الحسین<sup>(ع)</sup>، را بکنند.

**آیا تقلید صدای سگ با الاغ یا کبوتر در موقع سینه‌زدن، برای اظهار عجز درمقابل ائمه<sup>(ع)</sup>، جایز است؟**

**آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی:** این کار زننده است واهانت به مقام شامخ ائمه<sup>(ع)</sup> محسوب می‌شود.



# واجبی که نباید نادیده گرفته شود



**گزارش**

آئمه مستقیمی| در بررسی اینکه چرا امام حسین<sup>(ع)</sup> دست به آن قیام تاریخ‌ساز زدند و با اینکه می‌دانستند عاقبت کار خود و فرزندان و یاران‌شان به شهادت و فرجام اهل بیت‌شان به اسارت ختم می‌شود، این راه را برگزیدند و راهی کربلا شدند، بهترین پاسخ، سخنان خود حضرت سیدالشهدا<sup>(ع)</sup> است. ایشان در وصیت‌نامه خود خطاب به برادرشان، محمد حنفیه، می‌نویسند: «من، نه از روی خودخواهی و سرکشی و هوسرانی (از مدینه) خارج می‌شوم و نه برای ایجاد فساد و ستمگری، بلکه هدف من از این حرکت، اصلاح مفاسد امت جدم و امریه‌معروف و نهی‌ازمنکر است.» این سخن حضرت، اهمیت فریضه امریه‌معروف و نهی‌ازمنکر را نشان می‌دهد؛ واجبی که بیشتر نادیده گرفته می‌شود.

سد شکست مقابل دشمن

علاوه بر برکات فردی، جامعه‌ای هم که امر به معروف و نهی‌ازمنکر در آن جدی گرفته شود، اتفاقات خوبی را تجربه می‌کند؛ از مهم‌ترین آن‌ها، نظارت عمومی و زمینه‌سازی برای فراگیر شدن عدالت اجتماعی است؛ چنان‌که حضرت امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup> فرمودند: «(امر به معروف و نهی‌ازمنکر) .... همچنین تقسیم (عادلانه) بیت‌المال و غنائم را درپی دارد و صدقات (مالیات‌های شرعی) از جاهای لازم گرفته شده، در جای حق و مناسب، مصرف می‌شود.» (وسائل‌الشيعه، ج ۱۱، ص ۴۰۴) بنابر تصریح قرآن، جامعه عامل به امر به معروف، دربرابر دشمنان شکست نمی‌خورد؛ شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده‌اید، به کار پسندیده فرمان می‌دهید، جز آزاری (اندد) هرگز به شما زبانی نخواهند رسانید و اگر با شما بجنگند، به شما پشت کنند، سپس یاری نیابند.» (آل عمران، ۱۱۱و ۱۱۲)

در حکم اعلان جنگ با خدا!

آموزه‌های دینی به همان اندازه که آثار مثبت امر به معروف و نهی‌ازمنکر را بیان کرده‌اند، به عواقب بی‌توجهی و کنار گذاشتن آن نیز پرداخته‌اند، امام‌رضا<sup>(ع)</sup> از پیامبر<sup>(ص)</sup> نقل می‌کردند که حضرت بارها فرمودند: «وقتی امت من امریه‌معروف و نهی‌ازمنکر را واگذارند، پس باید با خدا اعلان جنگ کنند.» (بحار‌الانوار، ج ۱۰۰، ص ۹۲) امام باقر<sup>(ع)</sup> نیز در این باره فرموده‌اند: «بدقومی هستند قومی که بر امریه‌معروف و نهی‌ازمنکر عیب می‌گیرند و آن را بی‌ارزش می‌پندارند.» (وسائل‌الشيعه، ج ۱۱، ص ۳۹۲)

غفلتی که ما را گرفتار اشرار می‌کند

آثار منفی بی‌توجهی به امریه‌معروف به جنبه‌های فردی و خانوادگی محدود نمی‌شود، بلکه گاه یک جامعه را دچار ابتلا می‌کند؛ امام علی<sup>(ع)</sup> درباره آثار منفی ترک امر به معروف فرموده‌اند: «امر به معروف و نهی‌ازمنکر را ترک نکنید که درنتیجه، پروردگار امور شما را به اشرارتان بسپارد، آن‌گاه لب به دعا می‌کشاید ولی دعايتان مستجاب نمی‌شود.» (نهج‌البلاغه، نامه ۴۷، ص ۴۲۲)، ترک این فریضه در روایات ائمه<sup>(ع)</sup> به قدری ناپسند است که حتی به دشمنی با خدا تعبیر شده است. از امام صادق<sup>(ع)</sup> نقل است که فرمودند: «خداوند دشمن دارد مؤمن ضعیفی را که دین ندارد.» شخصی از آن حضرت پرسید چنین کسی کیست؟ فرمودند: «او که نهی‌ازمنکر نمی‌کند.»

آمرانی که جانشین خدا در زمین می‌شوند

پیامبر<sup>(ص)</sup> و اهل بیت<sup>(ع)</sup> هم که فکر، سخن و عملشان تجلی قرآن است، بر امریه‌معروف و نهی‌ازمنکر تأکید می‌کنند و هم آثارش را بیان کرده‌اند و هم از عواقب بی‌توجهی به آن گفته‌اند؛ رسول خدا<sup>(ص)</sup> درباره این فریضه می‌فرماید: «کسی که امر به معروف و نهی‌ازمنکر کند، جانشین خداوند در زمین و جانشین پیامبر<sup>(ص)</sup> و کتاب اوست.» (مجمع‌البیان، ج ۲، ص ۸۰۷)، امیر بیان، امام علی<sup>(ع)</sup>، هم در این باره فرموده‌اند: «خداوند، امر به معروف را برای اصلاح مردم و نهی‌ازمنکر را برای جلوگیری از سفیهان و بی‌خردان (از کتاب حرام، واجب فرموده است.» (نهج‌البلاغه، کلمات قصار، ص ۲۵۲)

وظیفه‌ای که همگانی است

آیات متعددی از قرآن کریم بر امریه‌معروف و نهی‌ازمنکر تأکید می‌کنند و به ابعاد مختلف آن می‌پردازند. آیه ۱۱۴ آل عمران، آن را صفت مؤمنان معرفی می‌کند، به خدا او روز دیگر ایمان می‌آورند، امریه‌معروف و نهی‌ازمنکر می‌کنند، آیه ۱۰۴ همین سوره نیز این واجب را وظیفه‌ای عمومی و همگانی و عامل خوشبختی معرفی و تأکید می‌کند: «و باید از میان شما گروهی باشند که مردم را به نیکی فراخوانند و آنان را به کار پسندیده وادارند و از کار زشت و نکوهیده نهی کنند، اینان اند که نیکبخت خواهند بود.» یا آیه ۴۱ سوره حج که امریه‌معروف را ویژگی یاران آخرازمانی امام مهدی<sup>(عج)</sup> می‌داند: «کسانی که اگر آنان را در زمین به قدرت رسانیم، نماز برپای می‌دارند و زکات می‌دهند و (دیگران را) به خوبی‌ها دعوت می‌کنند و از بدی‌ها باز می‌دارند.»

باب نصرت و رحمت را می‌گشاید

نهاده‌ینه شدن فرهنگ امر به معروف و نهی‌ازمنکر، آثار مثبت فردی و اجتماعی بسیاری دارد و با احیا و اجرای آن، خیلی از مشکلاتی که درگیر آن هستیم، خودبه‌خود برطرف می‌شود. این واجب، زمینه عمل به دیگر واجبات و ترک محرمات را فراهم و ما را از نصرت الهی برخوردار می‌کند، زیرا این وعد قرآن است که می‌فرماید: «وَلَنَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَن يَتَّصِفُ... و قطعاً خدا به کسی که (دین) او را یاری می‌کند، یاری می‌دهد.» (حج، ۲۰) همچنین ابواب رحمت الهی را به روی انسان می‌گشاید، «مردان و زنان باایمان، ولی و یار و یاور بکند یگزیند، امر به معروف می‌کنند، به زودی خدا آنان را مشمول رحمت خویش قرار می‌دهد...» (توبه، ۷۱)

زینب(س)؛ بانوی حضور

بیدانیم، باید اذعان کنیم که بقای پیام آن، مروهون رسالت زینبی است. کربلا در روز دهم محرم پایان نیافت، بلکه از عصر عاشورا، فصل تازه‌ای آغاز شد که قهرمان اصلی آن، بانویی بود که با صلابت و آگاهی، پرچم روایت حقیقت را بر دوش گرفت. یکی از مهم‌ترین کارویژه‌های حضرت زینب(س)، «رسانه‌گری» است. در عصری که رسانه‌های مدرن وجود نداشت، ایشان با بهره‌گیری از قدرت بیان و انتقال پیام، اجازه ندادند دستگاه تبلیغاتی اموی، حقیقت را وارونه جلوه دهد. خطبه‌های ایشان در کوفه و شام، نمونه‌ای درخشان از جهاد تبیین است؛ جهادی که برپایه آگاهی‌بخشی، روشنگری و مقابله با تحریف رقم خورد. امروز نیز زنان مسلمان می‌توانند با حضور آگاهانه در عرصه‌های فرهنگی، رسانه‌ای و اجتماعی، نقش مهمی در دفاع از ارزش‌ها و آگاهی‌بخشی جامعه ایفا کنند. «خطابه»، دومین جلوه از حضور اجتماعی حضرت زینب(س) است. سخن گفتن در برابر قدرتی که خود را شکست‌ناپذیر می‌پنداشت،

نیازمند شجاعتی کم‌نظیر بود. بانوی کربلا نشان داد که زن مسلمان، می‌تواند در میدان اندیشه و گفت‌وگو، حضوری فعال داشته باشد و با منطق، بصیرت و استدلال، از حقیقت دفاع کند. جامعه امروز نیز بیش از هر زمان دیگر به زنانی نیاز دارد که اهل فکر، تحلیل و گفت‌وگوی سازنده باشند. ازسوی دیگر، واقعه عاشورا صحنه‌ای بزرگ از «مدیریت بحران» را به نمایش گذاشت. پس از شهادت امام حسین<sup>(ع)</sup>، کاروان اهل بیت<sup>(ع)</sup> با شرایطی دشوار و بی‌سابقه روبه‌رو شد. حفظ جان کودکان، مراقبت از بیماران، سامان‌دهی اسرا و صیانت از پیام نهضت، همگی مسئولیت‌هایی سنگین بودند که حضرت زینب(س) با تدبیر و استقامت به انجام رساند. این بخش از سیره ایشان، نشان می‌دهد که زنان نه تنها توانایی حضور در عرصه‌های مدیریتی را دارند، بلکه در شرایط بحرانی می‌توانند به ستون استوار خانواده و جامعه تبدیل شوند. درکنار این ابعاد، می‌توان از «کارآفرینی دینی» نیز سخن گفت؛ مفهومی که به معنای خلق